

ایران و مسیر گاز جنوبی به اروپا



یاسر نورعلی‌وند*

ولی گل محمدی**

* دانشجوی دکتری دانشگاه تهران و پژوهشگر مرکز تحقیقات استراتژیک
** دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه تربیت مدرس و پژوهشگر مرکز تحقیقات
استراتژیک
تاریخ دریافت: ۹۵/۲/۱۹ تاریخ تصویب: ۹۵/۶/۲۰
golmohammadi@csr.ir
فصلنامه روابط خارجی، سال هشتم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۵، صص ۳۶-۷.

چکیده

مقاله پیش‌رو با هدف بررسی جایگاه ترکیه در دیپلماسی انرژی اتحادیه اروپا و راهکارهای ورود جمهوری اسلامی ایران به مسیر جنوبی ورودی انرژی این اتحادیه در دوره پسابرجام به نگارش درآمده است. اتحادیه اروپا برای رهایی از وابستگی شدید به انرژی روسیه به عنوان یک رقیب استراتژیک، روی به تنوع‌بخشی مبادی ورودی انرژی آورده است. در این میان، نقش ژئوپلیتیک ترکیه به عنوان مسیر جنوبی انرژی اتحادیه اروپا در راستای سیاست تنوع‌بخشی مذکور، دارای اهمیت روزافزون شده است. این نقش به طور طبیعی جمهوری اسلامی ایران را در همسایگی مسیر جنوبی انرژی اتحادیه اروپا قرار داده است. با در نظر گرفتن بحران اوکراین، بی‌ثباتی‌های ژئوپلیتیکی خاورمیانه و نیاز مبرم اروپا به مبادی انرژی متعدد، چگونه می‌توان از منافع و فرصت‌های مسیر جنوبی برای کشور در دوره پسابرجام بهره برد؟ یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که ایران با توجه به منابع غنی و فاصله کمی که تا مرکز اروپا دارد، می‌تواند با توسعه زیرساخت‌ها و حل برخی چالش‌های فرارو از این فرصت حداکثر استفاده را برده و به عنوان یک شریک راهبردی انرژی اتحادیه اروپا معرفی شود. ورود ایران به مسیر جنوبی ورودی انرژی اتحادیه اروپا و عملیاتی شدن آن نیازمند برطرف ساختن برخی موانع و چالش‌های اصلی از جمله عادی‌سازی روابط با ترکیه، اعتمادسازی در جهت جذب سرمایه‌گذاران اروپایی در زیرساخت‌های انرژی ایران و همچنین قاعده‌مند ساختن روابط و ترجیحات دوجانبه امنیتی بین ایران و روسیه است.

واژه‌های کلیدی: انرژی، دیپلماسی انرژی، مسیر جنوبی، ترکیه،

اتحادیه اروپا و ایران

مقدمه

امروزه نفت و گاز به عنوان دارایی‌های دیپلماتیک دولت‌ها شناخته می‌شوند. دارایی‌هایی که تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان خود را در وضعیت‌های کاملاً متفاوتی قرار می‌دهد. از یک‌سو، منابع انرژی این امکان را برای تولیدکنندگان فراهم می‌کند که از آن به عنوان ابزاری جهت اعمال فشار بر مصرف‌کنندگان بهره‌برده و از سوی دیگر، به سبب وابستگی گریزناپذیر، مصرف‌کنندگان را در موضع ضعف و آسیب‌پذیری قرار می‌دهد. از زمانی که انرژی از چنین پتانسیلی در روابط بین‌الملل برخوردار شده، کاربرد دیپلماسی انرژی نیز برای تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان جهت مدیریت این پتانسیل متداول شده است. اتحادیه اروپا به عنوان یکی از عمده‌ترین مصرف‌کنندگان حال و آینده سوخت‌های فسیلی، از دیپلماسی انرژی به عنوان ابزاری برای تامین پایدار آنها با کمترین آسیب‌پذیری بهره می‌گیرد. در همین زمینه، یکی از مهمترین اهداف و جهت‌گیری‌های دیپلماسی انرژی اتحادیه اروپا تنوع‌بخشی به مبادی و منابع ورودی انرژی به منظور کاهش وابستگی به یک منبع خاص انرژی است. اتحادیه اروپا در کنار مسیر شرقی (روسیه)، مسیر شمالی (نروژ) و مسیر غربی (الجزایر) در سال‌های اخیر به طراحی و توسعه مسیر گاز جنوبی^۱ عبوری از ترکیه دست زده است.

با این مقدمه، سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که نخست، مسیر گاز جنوبی از چه جایگاهی در دیپلماسی انرژی اتحادیه اروپا برخوردار است و دوم این مسیر چه فرصت‌هایی را در اختیار جمهوری اسلامی ایران قرار می‌دهد و ایران



در دوره پسابرجام چگونه می‌تواند ورود خود را به مسیر جنوبی تسهیل و عملیاتی سازد؟ وابستگی بیش از حد اتحادیه اروپا به مسیر گاز شرقی (روسیه) و تجربه سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ و متعاقبا ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰، در قطع گاز ورودی این مسیر از سوی روسیه به سبب بحران اوکراین و اوج گرفتن مجدد این بحران در سال ۲۰۱۴، اتحادیه اروپا را به صورت جدی بر این داشته تا به فکر منابع و مبادی ورودی جایگزین انرژی باشد. بنابراین، فرضیه پژوهش به این صورت طرح می‌شود که اتحادیه اروپا قصد دارد با ایجاد و توسعه مسیر گاز جنوبی ترکیه - که امکان دسترسی ارزان و مطمئن اتحادیه را به منابع آسیای مرکزی و خاورمیانه فراهم می‌کند - از شدت وابستگی به مسیر شرقی (روسیه) بکاهد و این مسیر به دلیل همسایگی با ایران پتانسیلی را در اختیار دیپلماسی انرژی کشور قرار می‌دهد که دستگاه سیاست خارجی با بهره‌برداری از فرصت‌ها و از میان برداشتن چالش‌های آن به بهترین شکل می‌تواند منافع ملی را تامین کند. برای پاسخی تفصیلی‌تر به پرسش بالا، مقاله از پنج مبحث تشکیل شده است. در مبحث نخست دیپلماسی انرژی به عنوان چهارچوب مفهومی مورد بحث قرار می‌گیرد. در مبحث دوم، با دیپلماسی انرژی اتحادیه اروپا آشنا خواهیم شد و در مبحث سوم به وضعیت فعلی و چشم‌انداز میزان تولید و مصرف انرژی اتحادیه اروپا خواهیم پرداخت. در مبحث چهارم، جایگاه مسیر گاز جنوبی در دیپلماسی انرژی اتحادیه اروپا مورد بحث قرار می‌گیرد و در مبحث پنجم نیز به فرصت‌ها و چالش‌هایی که این مسیر در اختیار ایران قرار می‌دهد اشاره خواهد شد.

۱. مفهوم دیپلماسی انرژی

امروزه روابط خارجی کشورها از لایه‌های دیپلماسی در سطوح مختلف تشکیل می‌شود. دیپلماسی مناسب در این چهارچوب که به عنوان دیپلماسی انرژی شناخته می‌شود، راهی است برای کمک به دولت‌ها به منظور حفظ و توسعه موقعیت خود در رقابت موجود بر سر منابع انرژی جهان. دیپلماسی انرژی کمک می‌کند تا سیاستگذاران از طریق روش‌های مختلف برای رسیدن به اهداف حوزه انرژی اقدام کنند. کشورهای دارای منابع انرژی از ذخایر خود به عنوان عنصری



برای فشار بین‌المللی استفاده می‌کنند و کشورهایی که در مسیرهای انتقال انرژی قرار دارند، از موقعیت خود به عنوان یک امتیاز برای معامله بین‌المللی در این حوزه بهره می‌گیرند. این مسائل اهمیت دیپلماسی انرژی را دو چندان کرده است. بنابراین، دیپلماسی انرژی می‌تواند به عنوان روش دیپلماتیک استفاده از انرژی (ذخایر و مسیرهای انتقال) به منظور به حداکثر رساندن منافع ملی انرژی در روابط دوجانبه، چندجانبه، منطقه‌ای و جهانی مصرف و تقاضای انرژی تعریف شود. توزیع نامتوازن منابع انرژی در عرصه جهانی و نامتوازن بودن منابع در ژئوپلیتیک انرژی، برخی کشورها را در جایگاه صادرکنندگان و برخی دیگر را در جایگاه واردکنندگان عمده قرار داده است. واردکنندگان انرژی، از این ابزار برای دسترسی ارزان و مداوم جریان انرژی، امنیت تامین انرژی، حفظ تنوع منابع، کارآمدی و ثبات بازارهای بین‌المللی انرژی بهره می‌گیرند. در نقطه مقابل، صادرکنندگان انرژی بر توسعه و استفاده کارآمدتر از انرژی، سرمایه‌گذاری بر روی ذخایر جدید و حداکثرسازی درآمد حاصل از صادرات آن تمرکز می‌کنند. دیپلماسی انرژی این امکان را به دولت‌ها می‌دهد تا به منظور کاهش امکان درگیری و خطرات ناشی از تعاملات و فرآیندهای حوزه انرژی، سیاست‌های یکدیگر را در این حوزه به ویژه از طریق مذاکره و چانه‌زنی به دقت دنبال کنند (Uludage and et al, 2013: 103).

بنابراین، دیپلماسی انرژی هر کشور مجموعه‌ای از راهبردها، روش‌ها و تدابیری است که در رابطه با مدیریت کلان توسعه منابع انرژی و تولید و مصرف و تجارت حامل‌های انرژی در بستر رقابت و همکاری با دیگر بازیگران این عرصه اتخاذ می‌شود و هدف از آن بهره‌برداری از فرصت‌ها و به حداکثر رساندن منافع از یک‌سو و رفع تهدیدها و به حداقل رساندن آسیب‌ها از سوی دیگر است (اسلامی، ۱۳۹۱: ۱۹۱). همچنین، دیپلماسی انرژی علاوه بر بعد اقتصادی و فناوری، ابعاد سیاسی و امنیتی را هم مورد توجه زیاد قرار می‌دهد. با توجه به اینکه در جهان امروز دیگر سوخت‌های فسیلی صرفاً یک کالای اقتصادی و تجاری نیستند و از اهمیت استراتژیکی در روابط کشورها برخوردار شده‌اند، لذا تعامل کشورهای صادرکننده و واردکننده انرژی می‌تواند زمینه‌ساز گسترش معادلات

جدید سیاسی و امنیتی باشد. در این راستا، همانطور که عنوان شد این دیپلماسی می‌تواند از طریق روابط دوجانبه و چندجانبه صورت پذیرد و به نتایج متفاوتی اعم از همکاری، ائتلاف، تقابل و رقابت در میان بازیگران این عرصه بیانجامد (واعظی، ۱۳۸۹: ۱۳۰).

بعد سیاسی و امنیتی انرژی آسیب‌پذیری‌های زیادی را برای کشورهای وارد کننده آن به دنبال داشته است. قطع جریان انرژی و یا اختلال در ترتیبات بین‌المللی و استفاده از انرژی به عنوان یک سلاح سیاسی توسط کشورهای تولیدکننده، کشورهای وارد کننده را در موقعیت ضعف و بحرانی قرار می‌دهد. در نتیجه تدارک سازوکاری که در آن امنیت انرژی از هر نظری تضمین شود، بیش از کشورهای صادرکننده برای کشورهای واردکننده انرژی دارای مطلوبیت و اهمیت است (پوراحمدی و ذوالفقاری، ۱۳۸۹: ۱۵۹). به عنوان یک جمع‌بندی می‌توان شاخص‌های دیپلماسی انرژی را به صورت زیر برشمرد: شناسایی دقیق ژئوپلیتیک انرژی و دسترسی آسان و ارزان به بازارهای جهانی انرژی؛ جذب سرمایه‌گذاری خارجی به صورت مستقیم-غیرمستقیم، دوجانبه و چندجانبه؛ خارج کردن بازار انرژی از انحصار شرکت‌های بزرگ چندملیتی که قادر به کنترل تولید، بازار و قیمت انرژی هستند؛ تامین امنیت انرژی از طریق تنوع‌بخشی به مسیرهای انتقال انرژی و تنوع‌بخشی به منابع تولیدکننده انرژی؛ مدیریت کنترل قیمت در شرایط بی‌ثباتی و ناپایداری اقتصاد جهانی؛ مبارزه با هرگونه اقدامات تروریستی که می‌تواند در تولید و انتقال انرژی اختلال ایجاد کند؛ و ثبات‌سازی و ایجاد تعادل امنیتی در مناطق تامین کننده و انتقال دهنده انرژی (Leverett and Bader, 2006: 147).

بنابراین، یک دیپلماسی انرژی موفق می‌باید واجد برنامه‌ریزی و جهت‌گیری در همه ابعاد اقتصادی، سیاسی، امنیتی و جغرافیایی باشد، در غیر این صورت نمی‌تواند به خوبی از عهده تامین منافع ملی در زمینه انرژی برآید.

۲. دیپلماسی انرژی اتحادیه اروپا

اتحادیه اروپا به عنوان یکی از واردکنندگان عمده انرژی برای کاستن از آسیب‌پذیری‌های این حوزه در دهه‌های اخیر، توجه ویژه‌ای به تدوین یک



دیپلماسی انرژی فعال و کارآمد نشان داده است. اگر چه بخش قابل توجهی از سیاست انرژی همچنان در حوزه قدرت ملی باقی مانده است، اما در سال‌های اخیر، صلاحیت‌های اتحادیه اروپا در حوزه سیاستگذاری انرژی به وسیله پیمان لیسبون و مقررات جدید امنیت گازی تقویت بیشتری یافته است. بدیهی است که کمیسیون باید نقش اساسی در سیاست انرژی اتحادیه اروپا داشته باشد. امروزه کمیسیون در گفت‌وگوهای انرژی با روسیه و دیگر تامین‌کنندگان انرژی شرکت می‌کند، سیاست‌ها و اهداف راهبردی در این حوزه را مشخص می‌کند و ابزارهای لازم برای پیاده‌سازی این اهداف را تعریف می‌کند (Hazakis and Proedrou, 2012: 5-6).

تا قبل از بحران نفتی ۱۹۷۳، جامعه اروپا هیچ برنامه مشخصی در زمینه انرژی و سوخت‌های فسیلی نداشت. این بحران سبب شد تا شورای اروپا در سال ۱۹۷۴ برنامه‌ای را برای تامین انرژی از منابع متعدد در دستورکار قراردهد. بعدها در سال ۱۹۹۵ و سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۳، کمیسیون اروپا تلاش‌هایی را برای تعریف سیاست انرژی برای اتحادیه اروپا^۱ انجام داد. در همین رابطه کمیسیون به تعریف امنیت انرژی به عنوان یکی از مهمترین ابعاد سیاست انرژی پرداخت. کمیسیون اروپا، امنیت انرژی را «اشتراک‌گذاری منابع داخلی انرژی و ذخایر استراتژیک در شرایط اقتصادی قابل قبول و استفاده از منابع خارجی متنوع، در دسترس و باثبات» تعریف کرده است. کمیسیون همچنین امنیت انرژی را به عنوان «تضمین تامین پایدار نیازهای اساسی انرژی از طریق منابع داخلی و خارجی به روشی مقرون به صرفه» تعریف کرده است (European Commission, 2006). نیاز به تامین امنیت انرژی زمانی بیشتر روشن شد که روسیه جریان گاز را به اوکراین در سال ۲۰۰۶ و بلاروس در سال ۲۰۰۷ - که مسیرهای انتقال انرژی به برخی کشورهای اروپایی هستند - متوقف کرد. متعاقب این اتفاقات، اتحادیه اروپا از طریق ایجاد طرح انرژی جدید برای اروپا^۲ در آوریل ۲۰۰۷، واکنش نشان داد. اولویت‌های طرح



مذکور، شامل یک سیاست مشترک انرژی، ایجاد یک بازار داخلی برای انرژی، تضمین امنیت عرضه، ترویج استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر و ترویج پژوهش‌های مربوط به فناوری انرژی بود (Hatton, 2011).

بر طبق اسناد، سیاست انرژی مشترک اروپا می‌باید سه اصل اساسی را در برگیرد: پایداری، امنیت عرضه و رقابت. در چهارچوب این سیاست، طرح اقدام ۲۰۰۹-۲۰۰۷ با اهداف ۲۰ درصد سه گانه زیر تا سال ۲۰۲۰ ترسیم شده است: کاهش ۲۰ درصدی انتشار گازهای گلخانه‌ای نسبت به سطح آن در سال ۱۹۹۰؛ حصول ۲۰ درصد از منابع انرژی اتحادیه اروپا از طریق انرژی‌های تجدیدپذیر؛ کاهش ۲۰ درصدی مصرف انرژی اتحادیه اروپا.

برنامه اقدام مذکور مدت کوتاهی پس از تصویب، در قالب پیمان لیسبون تکمیل شد. در چهارچوب پیمان‌های نهادی اتحادیه اروپا، ماده ۱۹۴ پیمان لیسبون (مصوب ۲۰۰۷) برای اولین بار با اشاره به عملکرد بازار داخلی، چند نوآوری را در حوزه انرژی به شکل زیر برمی‌شمرد: اطمینان از عملکرد بازار انرژی؛ اطمینان از امنیت عرضه انرژی در اتحادیه؛ ترویج بهره‌وری انرژی و صرفه‌جویی در انرژی و توسعه اشکال جدید و تجدیدپذیر انرژی؛ ترویج اتصال به شبکه‌های انرژی (European Union, 2010).

با این همه، در این پیمان نیز سیاست خارجی انرژی در انحصار دولت‌ها باقی مانده و تصمیم‌گیری برای سیاست مشترک انرژی اروپا براساس سازوکار اتفاق آراء صورت می‌پذیرد. زمانی که روسیه مجدداً جریان گاز را در سال ۲۰۰۹ به اوکراین و ۲۰۱۰ به بلاروس قطع کرد، مشخص شد که اتحادیه اروپا باید راهبردهای عملی‌تر با نگاهی به آینده در دستورکار خود قراردهد. از این‌رو، چندین مورد استراتژی انرژی در سطح اتحادیه اروپا تعریف شد که یکی از مهمترین آنها انرژی ۲۰۲۰ است که در نوامبر ۲۰۱۰، توسط کمیسیون منتشر شده است. همچنین استراتژی برای پایداری، رقابت و امنیت انرژی و نقشه راه انرژی ۲۰۵۰ نیز در پایان سال ۲۰۱۱ منتشر شد. هدف از استراتژی انرژی ۲۰۲۰، فراهم کردن ابزارهای جدید برای دستیابی به اهداف (۲۰ درصد سه گانه) طرح اقدام

۲۰۲۰ است. استراتژی ۲۰۲۰ به نیاز فوری به عمل نه تنها برای بازسازی بازار انرژی اروپا و رسیدن به اهداف زیست محیطی، بلکه رقابتی‌تر شدن انرژی در آینده تاکید می‌کند. کمیسیون در استراتژی ۲۰۲۰، پنج اولویت را برای رسیدن به اهداف سه گانه ۲۰ درصدی که در بالا به آنها اشاره شد، به شکل زیر ترسیم می‌کند: دستیابی به بازار کارآمد اروپایی؛ تکمیل بازار انرژی داخلی؛ توانمندسازی مصرف‌کنندگان و دستیابی به بالاترین سطح ایمنی و امنیت؛ توسعه رهبری اروپایی در فن‌آوری و نوآوری انرژی؛ و تقویت بعد خارجی بازار انرژی اتحادیه اروپا.

نقشه راه ۲۰۵۰ نیز پاسخی به دوره طولانی‌مدت چرخه سرمایه‌گذاری زیرساخت‌های انرژی و اهداف انرژی اروپا پس از ۲۰۲۰ است. هدف اصلی این نقشه راه، فراهم کردن طرح‌های مطمئن برای سرمایه‌گذاری به ویژه زیرساخت‌های لازم برای دهه‌های آینده است. مطابق با این نقشه، اتحادیه اروپا می‌باید گازهای گلخانه‌ای را به ۸۰ تا ۹۵ درصد زیر سطح ۱۹۹۰ برساند. نقشه راه ۲۰۵۰ می‌باید راه را برای اهداف کربن‌زدایی و حصول اطمینان از اهداف امنیت انرژی و رقابت در اروپا هموار سازد (Langsdorf, 2011: 7). همچنین، ژان کلود یونکر ریاست فعلی کمیسیون اتحادیه اروپا طی نامه‌ای در نوامبر ۲۰۱۴ به مارتین شولتز، ریاست پارلمان اروپا با برشمردن اولویت‌های کاری کمیسیون در سال ۲۰۱۵ و افق بعد از آن به بحث انرژی و مشخصا اقداماتی برای تقویت امنیت انرژی به عنوان یکی از این اولویت‌های اساسی تاکید کرده است (European Commission, 2014).

۳. وضعیت تولید، مصرف و واردات انرژی اتحادیه اروپا

بخش بزرگی از حساسیت‌ها و دل‌نگرانی‌هایی که اتحادیه اروپا در حوزه انرژی و تدوین یک راهبرد و دیپلماسی کارآمد برای آن دارد، به وضعیت تولید، مصرف و واردات انرژی حال و آینده این اتحادیه بازمی‌گردد. در همین رابطه باید گفت که وابستگی اتحادیه اروپا به واردات انرژی از اواسط دهه ۱۹۹۰ میلادی به طور دائم رو به افزایش بوده است. از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۲، تولید منابع اولیه انرژی اروپا حدود یک پنجم کاهش یافته است. تولید گاز طبیعی ۳۰ درصد کاهش یافته و تولید نفت

نیز کاهش ۵۶ درصدی را تجربه کرده است. اما از سوی دیگر، تولید انرژی‌های تجدیدپذیر به میزان قابل توجهی رشد کرده است. اتحادیه اروپا در مجموع وابستگی ۵۳ درصدی به منابع مختلف انرژی خارجی در سال ۲۰۱۲ داشته است. جدول زیر میزان مصرف، تولید، واردات و میزان وابستگی اتحادیه اروپا به منابع مختلف انرژی را در سال ۲۰۱۲ نشان می‌دهد (European Commission, 2014).

جدول ۱. تصویر کلی انرژی در اتحادیه اروپا

سایر	انرژی‌های تجدیدپذیر	سوخت جامد	انرژی هسته‌ای	گاز	نفت	
-	۱۱	۱۷	۱۴	۲۴	۳۴	مصرف (درصد)
۲	۲۲	۲۱	۲۸	۱۶	۱۱	تولید (درصد)
-	۱	۱۳	-	۲۸	۵۸	واردات (درصد)
-	۴	۴۲,۲	-	۶۵,۸	۸۶,۴	میزان وابستگی (درصد)

Source: (European Commission, 2014)

همان‌طور که در جدول بالا قابل مشاهده است، در میان منابع مختلف انرژی، سوخت‌های فسیلی درصد بالایی از وابستگی اتحادیه اروپا به خارج را تشکیل می‌دهند. جداول زیر نشان می‌دهد که اتحادیه اروپا از لحاظ تامین نفت و گاز به شدت به روسیه وابسته است. پس از روسیه کشورهای حوزه خاورمیانه و شمال آفریقا از دیگر تامین کنندگان عمده نفت و گاز اتحادیه به شمار می‌روند.

جدول ۲- میزان نفت وارداتی از کشورهای مختلف

سایر	قزاقستان	لیبی	نیجریه	عربستان	نروژ	روسیه	نفت (درصد)
۲۵	۵	۸	۸	۹	۱۱	۳۴	

Source: (European Commission, 2014)

جدول ۳- میزان گاز وارداتی از کشورهای مختلف

سایر	لیبی	نیجریه	قطر	الجزایر	نروژ	روسیه	گاز (درصد)
۱۰	۲	۴	۸	۱۳	۳۱	۳۲	

Source: (European Commission, 2014)

براساس پیش‌بینی آژانس بین‌المللی انرژی، تولید نفت خام اتحادیه اروپا با حدود ۵۰ درصد کاهش از ۱/۹۵ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۱۰، به ۹۸۴ هزار بشکه در روز در سال ۲۰۳۰ کاهش خواهد یافت. همچنین تقاضای نفت خام این

اتحادیه در افق یاد شده روند نزولی داشته و از ۱۳/۸۶ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۱۰ به ۱۰/۱ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۳۰ کاهش خواهد یافت؛ به طوری که سهم اتحادیه اروپا از مصرف جهانی نفت خام از ۱۵/۹ درصد به ۱۰/۵ درصد در سال ۲۰۳۰ کاهش می‌یابد. با توجه به پیش‌بینی روند تولید و تقاضای نفت خام در افق ۲۰۳۰، اختلاف تولید و تقاضای نفت خام اتحادیه اروپا از ۱۱/۹ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۱۰، به ۹/۱ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۳۰ کاهش خواهد یافت. اما با توجه به کاهش ۵۰ درصدی تولید، وابستگی ۸۵ درصدی این اتحادیه به نفت وارداتی در سال ۲۰۱۰ به ۹۵ درصد در افق ۲۰۳۰ افزایش می‌یابد. در خصوص گاز طبیعی نیز پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است که تولید گاز طبیعی از ۱۷۵ میلیارد مترمکعب در سال ۲۰۱۰، به ۱۱۲ میلیارد مترمکعب در سال ۲۰۳۰ کاهش خواهد یافت. در مقابل، تقاضای گاز طبیعی از ۴۹۷ میلیارد مترمکعب در سال ۲۰۱۰، به ۵۹۱ میلیارد مترمکعب در سال ۲۰۳۰ افزایش خواهد داشت. با توجه به پیش‌بینی روند تولید و تقاضای گاز طبیعی، برآورد می‌شود که وابستگی اتحادیه اروپا به گاز وارداتی از رشد قابل توجهی برخوردار بوده و از ۶۵ درصد در سال ۲۰۱۰، به ۸۱ درصد در سال ۲۰۳۰ افزایش یابد (European Commission, 2014). با توجه به تصویری که از وضعیت و چشم‌انداز انرژی اتحادیه اروپا به دست دادیم، واضح است که تامین نفت و گاز طبیعی مهمترین نگرانی اتحادیه اروپا در بخش انرژی برای دهه‌های آتی این اتحادیه محسوب می‌شود.

۴. جایگاه مسیر گاز جنوبی

همان‌طور که پیش از این مورد تاکید قرار گرفت، نیاز چشم‌گیر اتحادیه اروپا به انرژی‌های فسیلی در شرایط کنونی و آینده و تامین بخش عمده این نیاز از روسیه، سبب شد تا اتحادیه اروپا سیاست تنوع‌بخشی به مبادی ورودی انرژی را در سرلوحه دیپلماسی انرژی خود قرار دهد. منابع انرژی آسیای مرکزی و قفقاز، منابع دریای خزر و منابع انرژی خاورمیانه از جمله منابع جایگزینی هستند که اتحادیه اروپا در حال برنامه‌ریزی برای بهره‌برداری از آنها است. اتحادیه اروپا برای دسترسی آسان و کم هزینه به این منابع، در حال سرمایه‌گذاری بر روی مسیر

انتقالی ترکیه موسوم به مسیر جنوبی این اتحادیه است. ترکیه از لحاظ جغرافیایی در مجاروت نزدیک به بیش از ۷۰ درصد ذخایر اثبات شده نفت و گاز جهان قراردادارد. ترکیه به عنوان یک پل طبیعی انرژی میان کشورهای تولیدکننده حوزه دریای خزر و خاورمیانه و کشورهای مصرف‌کننده اروپایی به حساب می‌آید. در این رابطه، پروژه‌های خطوط اصلی انرژی که به امنیت عرضه انرژی اروپا کمک خواهند کرد، باعث افزایش نقش ترکیه به عنوان یک کشور ترانزیتی قابل اعتماد در محورهای شرق و غرب و همچنین شمال و جنوب شده است. این محورهای عبوری از ترکیه مجموعاً تشکیل‌دهنده مسیر جنوبی اتحادیه اروپا هستند. از این رو، در کنار مسیر شرقی (روسیه)، مسیر غربی (شمال آفریقا) و مسیر شمالی (نروژ)، راه ترکیه که مسیر جنوبی اتحادیه اروپا را تشکیل می‌دهد، می‌باید انرژی کشورهای جنوب شرق و مرکز اتحادیه اروپا که وابستگی زیادی به روسیه دارند را تامین کند. تاسیس این مسیر علاوه بر اینکه به طور قابل توجهی ضریب امنیتی عرضه گاز طبیعی را افزایش می‌دهد، به ادغام سیاسی و اقتصادی ترکیه به اتحادیه اروپا نیز کمک شایانی می‌کند. علاوه بر این، این مسئله سبب افزایش همکاری میان کشورهای حوزه خزر و خاورمیانه با اتحادیه اروپا شده و به افزایش ثبات و امنیت منطقه‌ای کمک خواهد کرد. منطقه خاورمیانه و دریای خزر دارای ذخایر انرژی بزرگ و متمرکزی هستند که عمدتاً به صورت دست نخورده باقی مانده‌اند. ذخایر اثبات شده این مناطق در پایان سال ۲۰۰۹، ۹۱/۳ تریلیون مترمکعب تخمین زده شده است که تا دو برابر ذخایر گازی روسیه است و به راحتی نیز از نظر فنی و جغرافیایی قابل دسترسی است. از لحاظ جغرافیایی منابع انرژی این مناطق در مقایسه با روسیه، هم از نظر فاصله تا مرکز اروپا و هم از نقطه نظر تمرکز منابع دارای مزیت و برتری هستند (Linke and Veitor, 2010: 5-7).

با این حال، مسیرهای عرضه گاز کنونی به اتحادیه اروپا این مناطق را نادیده گرفته است. از دیدگاه استراتژیک و بلندمدت، به وضوح اتحادیه اروپا نیازمند سرمایه‌گذاری مستقیم در منابع انرژی آسیای مرکزی، حوزه خزر و خاورمیانه



است. استراتژی مسیر گاز جنوبی اتحادیه اروپا به دنبال در دسترس پذیر کردن این ذخایر بزرگ برای اروپا است. بنابراین، این استراتژی با اولویت بسیار بالایی در دستورکار سیاست انرژی خارجی اتحادیه اروپا قرار گرفته است. این مسیر گاز جنوب آلمان، اتریش و ایتالیا و همچنین جنوب شرقی اروپا - که از نظر جغرافیایی به ذخایر خزر و خاورمیانه نزدیک تر هستند، اما از نظر سنتی به منابع انرژی روسیه وابسته اند - را تامین می کند. در واقع، مسیر جنوبی این فرصت را فراهم می کند که اتحادیه اروپا هم موضع غالب گاز روسیه را تضعیف کند و هم با تنوع منابع ورودی، به سوی رقابتی شدن قیمت انرژی که یکی دیگر از اهداف دیپلماسی انرژی این اتحادیه است، حرکت کند (Linke and Veitor, 2010: 5-7). مهمترین خطوط لوله عبوری از ترکیه که در مجموع مسیر جنوبی اتحادیه اروپا را تشکیل می دهند به شرح زیر هستند:

۱- مسیر انتقالی شرقی - غربی: ترکیه تلاش های زیادی را در زمینه انتقال ذخایر نفت و گاز دریای خزر به بازارهای غربی انجام داده که در نتیجه منجر به ایجاد مسیر شرقی - غربی شده که از آن به عنوان «راه ابریشم قرن ۲۱» یاد می شود. پروژه های این مسیر انتقالی قفقاز و آسیای مرکزی را به اروپا متصل می سازند و ضمن سودآوری اقتصادی برای هر دو طرف، به ایجاد ثبات و شکوفایی در این مناطق کمک شایانی خواهد کرد که خطوط انتقالی آن به شرح زیر است:

خط لوله نفتی باکو - تفلیس - جیهان^۱: خط لوله باکو - تفلیس - جیهان عنصر محوری مسیر انرژی شرقی - غربی است که از میدان نفتی آب های عمیق چراغ گونشلی در آذربایجان به گرجستان و از آن کشور به ترمینال بندر جیهان ترکیه در سواحل دریای مدیترانه کشیده شده است. این خط لوله ۱۷۶۰ کیلومتر بوده و با ظرفیت انتقالی ۱ میلیون بشکه در روز که معادل با ۱/۵ درصد عرضه جهانی نفت است، مسیر عبور از دریای سیاه و تنگه های بسفر و داردانل را دور می زند و به بازارهای جهانی ارسال می شود. در ۱۶ ژوئن ۲۰۰۶، کشور قزاقستان نیز به این پروژه ملحق شد (Turkey's Energy Strategy, 2014).



خط لوله گازی باکو-تفلیس-ارزروم^۱: خط لوله باکو-تفلیس-ارزروم دومین بخش تشکیل دهنده مسیر شرقی- غربی است که در ۳ ژوئیه ۲۰۰۷ به مرحله بهره‌برداری رسید. این خط لوله برای انتقال گاز طبیعی از حوزه شاه‌دیز در بخش آذربایجان در دریای خزر، از طریق گرجستان به ترکیه طراحی شده و انتظار می‌رود که این خط لوله ۶/۶ میلیارد مترمکعب گاز طبیعی در سال را انتقال دهد (Turkey's Energy Strategy, 2014).

خط لوله ترانس کاسپین^۲: خط لوله ترانس کاسپین قرار است در عرض و زیر بستر دریای خزر بین بندر ترکمباشی در ترکمنستان و بندر باکو در آذربایجان احداث شود و چهارمین دارنده ذخایر گاز جهانی یعنی ترکمنستان را به آذربایجان و از آنجا از طریق خط لوله گازی باکو-تفلیس-ارزروم به سیستم خطوط لوله گاز طبیعی داخلی ترکیه و در نهایت به بازار اروپا متصل سازد. این خط لوله برای اروپا دارای اهمیتی دو چندان است؛ این خط لوله در واقع طرح کلیدی اتحادیه اروپا در راستای انتقال گاز حوزه دریای خزر و ترکمنستان به مصرف‌کنندگان اروپایی بوده و سبب کاهش وابستگی اروپا به گاز روسیه می‌شود (Turkey's Energy Strategy, 2014).

خط لوله ناباکو: این پروژه در فازهای میان‌مدت و بلندمدت برای کاستن از وابستگی بیشتر اتحادیه اروپا به گاز روسیه، ذخایر گاز کشورهای حوزه دریای خزر (آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان)، و عراق و مصر را از طریق ترکیه به اروپا انتقال خواهد داد. پنج شرکتی که در سال ۲۰۰۲ مذاکرات اولیه درباره این پروژه را انجام دادند عبارت بودند از او.ام.وی^۳ اتریش، بوتاش ترکیه، ام.او.ال^۴ مجارستان، بلغازگاز^۵ بلغارستان و ترنس‌گاز^۶ رومانی. این پنج شرکت در ژوئن

1. Baku–Tbilisi–Erzurum Pipeline (BTE)
2. Trans-Caspian Pipeline
3. OMV
4. MOL
5. Bulgargaz
6. Transgaz

۲۰۰۲ پروتکل ساخت لوله ناباکو را امضا کردند. بعدها در فوریه ۲۰۰۸، شرکت آلمانی آر.دبلیو.ای^۱ به عنوان ششمین سهامدار به این پروژه پیوست. در ۲۶ ژوئن ۲۰۰۶، بیانیه وزارتی در مورد خطوط لوله ناباکو در وین امضا شد. پس از یک سری مذاکرات بسیار سخت در ترکیه، توافقنامه بین دولتی در جولای سال ۲۰۰۹ امضا شد. طبق این قرارداد خط لوله‌ای به طول ۳۸۹۳ کیلومتر از ارزروم ترکیه (۲۷۳۰ کیلومتر در ترکیه)، با عبور از بلغارستان (۴۱۲ کیلومتر)، رومانی (۴۶۹ کیلومتر)، مجارستان (۳۸۴ کیلومتر) به پایانه بومگارتن در اتریش (۴۷ کیلومتر) برای انتقال ۳۱ میلیارد مکعب (ظرفیت نهایی) در سال احداث خواهد شد. قرار است این پروژه با چند سال تاخیر در سال ۲۰۱۷ به بهره‌برداری برسد. عدم دسترسی به ذخایر کافی و مطمئن، تغییر مسیر خط لوله از ایران به عراق، افزایش هزینه‌ها، تامین مالی و بحران اقتصادی و تبعات خیزش مردمی در خاورمیانه از جمله عواملی بودند که بهره‌برداری از این خط لوله را به تعویق انداختند. همچنین در چشم‌انداز این پروژه پیش‌بینی شده است در صورتی که شرایط سیاسی اجازه دهد در درازمدت، تامین گاز از ازبکستان و ایران نیز می‌تواند به عنوان منابعی مهم برای تامین گاز اروپا به حساب آیند (سلطانی و بهمنش، ۱۳۹۱: ۲۳۳-۲۳۴). به هرحال، ناباکو مهمترین پروژه خط لوله انتقال گاز به اروپا برای پاسخگویی به نیاز انرژی این قاره و همچنین کاهش وابستگی به انرژی روسیه است. بدون ابتکار ناباکو، بسیار غیرمحمتمل است که ترکیه به هاب انرژی تبدیل شود (Jarchalova, 2013).

۲- مسیر انرژی جنوبی- غربی انتقال منابع گازی خاورمیانه به اروپا: از دیگر طرح‌های ترکیه برای تبدیل شدن به درگاه انرژی اتحادیه اروپا، تلاش برای انتقال گاز کشورهای عربی به اروپا است. از جمله این تلاش‌ها می‌توان به عملیات ساخت خط لوله گازی عرب^۲ برای انتقال گاز مصر از طریق اردن و سوریه به ترکیه و از این کشور به اتحادیه اروپا از طریق خط لوله ناباکو از سال ۲۰۰۹،



1. RWA

۲۱ 2. Arab Gas Pipeline

اشاره کرد. همچنین ترکیه در حال مذاکره با اقلیم کردستان عراق در راستای همکاری در زمینه انرژی است. در نتیجه این همکاری شبکه خطوط لوله گاز داخلی ترکیه از طریق احداث خط لوله گازی موازی با خط لوله نفت کرکوک-جیهان به ذخایر این منطقه متصل می‌شود. یادداشت تفاهمی بین ترکیه و عراق در ۷ آگوست ۲۰۰۷ در آنکارا به منظور صدور گاز عراق به اروپا از طریق ترکیه امضا شده است. همچنین براساس توافق جدید بین مقامات اقلیم کردستان عراق و ترکیه، قرار است خط لوله نفتی شمال عراق به ترکیه نیز ساخته شود. ترکیه همچنین تلاش‌هایی را برای واردات گاز طبیعی از ایران از طریق خط لوله موجود بین دو کشور از اواسط دهه ۱۹۹۰ شروع کرده است که در حال حاضر دارای ظرفیت انتقالی ۱۰ میلیارد مترمکعب در سال است (Turkey's Energy Strategy, 2014).

۳- مسیر انرژی شمالی- جنوبی: بعد از خط لوله گازی بلواستریم-انتقال گاز روسیه با گذر از دریای سیاه از طریق ترکیه به بازارهای مصرف کننده- کشور ترکیه در حال فعالیت بر روی خط لوله نفتی زیر بستر دریای سیاه از روسیه به بندر سامسون در شمال ترکیه و سپس به بندر جیهان در جنوب این کشور در ساحل دریای مدیترانه و همچنین خط لوله انتقال گاز به رژیم صهیونیستی است. تنگه‌های بسفر و داردانل ترکیه به لحاظ درگاه‌های انتقال انرژی اهمیت بسزایی دارند و حدود ۷/۳ درصد از نفت خام مصرفی جهان از این تنگه‌ها عبور می‌کند. اما با توجه به ترافیک سنگین تانکرهای نفتی و همچنین ویژگی‌های فیزیکی این تنگه‌ها و احتمال وقوع حوادث دریایی و زیست محیطی، دولت ترکیه تصمیم گرفت از خط لوله ترانس آناتولیا یا سامسون- جیهان به علت ویژگی‌هایی همچون نزدیکی به پایانه‌های صادراتی شرق دریای سیاه، کاهش هزینه‌ها، وجود زیرساخت‌های لازم برای صدور انرژی در بندر جیهان و مدیریت زیست محیطی راحت‌تر، به عنوان جایگزینی برای تنگه‌های بسفر و داردانل استفاده نماید (Turkey's Energy Strategy, 2014).

به هر حال، وجود چنین زیرساخت‌هایی سبب ایجاد نقشی استراتژیک برای

ترکیه شده است و انتظار می‌رود این کشور به شاهراه انتقال انرژی بین اروپا و کشورهای تولیدکننده انرژی تبدیل شود. با توجه به تجربه بحران‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۹ اوکراین که منجر به قطع گاز اروپا از سوی روسیه شد، در بحران کنونی و جدید اوکراین باز هم این احتمال می‌رود که روسیه مجدداً دست به قطع گاز اروپا بزند که این اقدام احتمالی پیامدهای مهمی برای بازارهای گاز جهانی و اروپایی به همراه خواهد داشت. در چنین شرایطی، ترکیه بیش از گذشته به عنوان معبری مستقل برای خطوط انتقال گاز از دریای خزر و آسیای میانه به اروپا می‌تواند نقش بسیار مهمی در تضمین استقلال گازی اروپا از روسیه بازی کند و این وضعیت باعث می‌شود که ترکیه بتواند از بازیگری حاشیه به بازیگری مرکزی در حوزه گاز بدل شود. با این همه، تبدیل شدن ترکیه به مسیر جنوبی انتقال انرژی به اروپا موضوعی به شدت سیاسی است و هرچند احتمال آن بالقوه است، اما ترک‌ها می‌کوشند تا از واردات گسترده انرژی به عنوان یکی از ضرورت‌های رفتار راهبردی ترکیه نگاه کرده و با بهره‌گیری از دیپلماسی انرژی، زمینه لازم جهت افزایش فرصت‌های بین‌المللی برای ترکیه را فراهم سازند. با یک نگاه تیزبینانه می‌توان متوجه شد که تبدیل شدن ترکیه به یک هاب انرژی و به سرانجام رسیدن مسیر جنوبی اتحادیه اروپا برای دیپلماسی انرژی و به طور کلی سیاست خارجی ایران نیز حامل فرصت‌های مطلوب و قابل توجهی است که شناسایی و بهره‌برداری از آنها می‌تواند منافع قابل توجهی برای کشور رقم بزند.

۵. فرصت‌ها برای ایران

اگرچه تحت‌تاثیر شرایطی که به واسطه برنامه هسته‌ای بر روابط ایران و اتحادیه اروپا سایه افکننده بود، در اسناد جدید اتحادیه اروپا نام ایران از فهرست شرکای بالقوه استراتژیک در تامین انرژی حذف شده است و تنها از عبارت برخی تامین‌کنندگان بالقوه دیگر انرژی که می‌تواند ایران را نیز شامل شود، استفاده شده است (دویچه وله، ۱۳۹۴)، اما در صورت بهبود روابط و فراهم شدن برخی پیش‌زمینه‌ها، منابع انرژی ایران برای این اتحادیه قابل چشم‌پوشی نیست. ایران به عنوان دومین دارنده ذخایر گاز طبیعی و سومین دارنده ذخایر نفت خام و در

مجموع اولین دارنده ذخایر هیدروکربونی جهان، از نظر همسایگی با کشورها و سرزمین‌های حوزه دریای خزر و دسترسی به آب‌های آزاد و همچنین همسایگی با کشورهای نفت‌خیز حاشیه خلیج فارس از موقعیت ویژه‌ای برخوردار است. ایران به لطف این موقعیت ژئوپلیتیکی، این منابع سرشار و همچنین امنیت داخلی خود دارای قابلیت تضمین انجام همه طرح‌های توسعه و انتقال نفت و گاز بوده و ورود ایران در پروژه‌های جهانی انرژی‌های فسیلی به استحکام تامین منابع این طرح‌ها خواهد انجامید. اروپا به دنبال منابع جدید عرضه انرژی است و ایران و کشورهای حوزه دریای خزر به خوبی می‌توانند نقش تامین کننده این منابع را ایفا کنند. ذخایر گازی ایران و ترکمنستان می‌تواند به کمک زیرساخت‌های موجود و توسعه زیرساخت‌های جدید در کشور به خطوط لوله انتقال گاز طبیعی ترکیه (مسیر جنوبی) به سمت اروپا بپیوندد که این امر علاوه بر تامین منافع کشورهای ذینفع، به افزایش امنیت منطقه نیز خواهد انجامید (شادی‌وند، ۱۳۹۱: ۳۹).

براساس پیش‌بینی بیزینس مانیاتور، میزان تولید گاز طبیعی ایران نیز تا سال ۲۰۱۹ به ۲۵۰ میلیارد متر مکعب خواهد رسید، تولید گاز ایران طی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۹ با رشد ۳/۴۲ درصدی روبرو خواهد شد و ظرفیت صادرات گاز به ۵۸ میلیارد متر مکعب خواهد رسید (Iran Oil and Gas Report, 2014).

جدول ۴- نقاط قوت و نقاط ضعف صنعت گاز ایران

نقاط قوت	نقاط ضعف
توان بالقوه تولید	ضعف در اکتشاف، استخراج، حفاری، بهره‌برداری
هزینه‌های پایین تولید	عدم استفاده بهینه از مخازن مشترک با کشورهای دیگر
پایین بودن قیمت تمام شده	مشکلات بازاریابی
دارا بودن ۱۷ درصد ذخایر گاز جهان	عدم فروش گاز طبیعی در بازارهای جهانی
طرح‌های عظیم نفت و گاز و پتروشیمی	مشکلات تبدیل گاز به LNG و GTL

Source: (Iran Oil and Gas Report, 2014)

ایران در حالی بزرگ‌ترین دارنده ذخایر گاز جهان بوده که سهم صنعت گاز کشور در بازار و تجارت جهانی گاز حتی به ۲ درصد هم نمی‌رسد. در شرایط فعلی ایران تنها به ترکیه گاز صادر می‌کند (معادل ۱۰ میلیارد مترمکعب در سال) و واردکننده گاز طبیعی از ترکمنستان (معادل ۴ تا ۷ میلیارد متر مکعب در سال)



است. ۹۰ درصد واردات گاز ایران از ترکمنستان و ۹۰ درصد صادرات گاز این کشور به ترکیه است (Iran Oil and Gas Report, 2014).

بنابراین، در اغلب سال‌های گذشته واردات گاز ایران بیشتر از صادرات آن بوده است. با این همه و با وجود چنین ظرفیت‌هایی، حتی اگر ایران در شرایط تحریم نبود، باز هم نمی‌توانست به عنوان صادرکننده گاز آن هم به اروپا شناخته شود. شایان ذکر است که ایران هرگز صادرات مستقیم گاز به اروپا نداشته است. در این زمینه، از زمان پیش از انقلاب گفت‌وگوهایی صورت پذیرفته بود، اما هرگز به نتیجه نرسیده است. ایران تنها به ترکیه و مختصری به ارمنستان گاز صادر می‌کند. البته در این زمینه باید خاطر نشان کرد که در نوامبر سال ۲۰۰۸، وزیر نفت ایران و وزیر انرژی و منابع طبیعی ترکیه توافقنامه‌ای را برای عبور گاز طبیعی ایران (سالانه ۳۵ میلیارد مترمکعب) با عنوان خط لوله ایران-ترکیه-اروپا^۱ با مسافت ۵۰۰۰ کیلومتر از طریق ترکیه به یونان و از آنجا به آلمان را امضا کردند که به علت تحریم‌های بین‌المللی متوقف شد (Bahgat, 2014).

با در نظر گرفتن اینکه بسیاری از پروژه‌های مسیر جنوبی در چند سال آتی به سرانجام خواهند رسید (به عنوان مثال قراراست پروژه ناباکو در سال ۲۰۱۷ به بهره‌برداری برسد)، نگاه ایران نیز می‌باید متوجه افق میان‌مدت و بلندمدت در تدوین سیاست‌هایی برای شرایط پس از تحریم باشد. با توجه به روی کار آمدن دولت تعامل‌گرای حسن روحانی و دستیابی به توافق جامع هسته‌ای با کشورهای ۵+۱، بسیاری از شرکت‌های گازی و نفتی از همین حالا خود را برای ورود به بازار انرژی ایران آماده می‌کنند. این نکته را نباید فراموش کرد که عدم تمایل اتحادیه اروپا به گاز ایران در سال‌های گذشته نتیجه مستقیم مسائل سیاسی به ویژه فشار ایالات متحده آمریکا بر اروپا بوده است (Marketos, 2014). بنابراین، برداشتن تحریم‌ها از یک سو و نیاز مبرم اروپا به منابع جایگزین از سوی دیگر، فرصتی را در اختیار دولت روحانی قرار می‌دهد که می‌تواند با بهره‌گیری از آن البته نه در کوتاه‌مدت، بلکه در میان‌مدت و بلندمدت با جذب سرمایه‌گذاران خارجی اروپایی



و توسعه میادین گازی و نفتی به یکی از صادرکنندگان عمده انرژی به اروپا از طریق مسیر جنوبی تبدیل شود (Cerny, 2014). ایران مایل به جذب سرمایه‌گذاری برای افزایش تولید خود در هر دو حوزه داخلی و خارجی به ویژه در میدان گازی پارس جنوبی است و هرگونه سرمایه‌گذاری در این زمینه می‌تواند محرک خوبی برای اقتصاد در حال رکود کشور باشد. برآوردها نشان می‌دهد که ایران نیازمند ۸۵ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در بخش صنعت گاز خود است تا بتواند زیرساخت‌های لازم برای این بخش را فراهم آورد. احیای مجدد پروژه خط لوله ایرن-ترکیه-اروپا می‌تواند یکی از گزینه‌های موجود و قابل پیگیری در میان‌مدت باشد (Marketos, 2014).

همان‌طور که پیش از این عنوان شد، اتحادیه اروپا و ترکیه برای توجیه‌پذیر کردن پروژه‌های سنگینی همچون خط لوله ناباکو نیازمند منابع انرژی مطمئن و قابل اتکا هستند. منابع قابل اتکایی که یا ایران خود می‌تواند یکی از تامین‌کنندگان عمده آن باشد و یا مسیری امن و ارزان برای انتقال آن محسوب شود. در بررسی‌های کارشناسی صورت گرفته، مشخص شده که مهمترین نقطه ضعف و چالش پیش‌روی خط لوله ناباکو در سال‌های آتی، نامشخص بودن تامین‌کنندگان گاز طبیعی قابل انتقال آن است. با توجه به هزینه سنگین احداث این خط لوله و اهمیت آن برای بازارهای مرکز اروپا، طراحان این خط لوله نیز اذعان دارند که ایران می‌تواند با ذخایر عظیم گازی خود بخش قابل توجهی از ظرفیت این خط لوله را تامین نماید. این مسئله، مزیتی مهم برای جذب شرکت‌های بین‌المللی به ویژه شرکت‌های اروپایی، برای تسریع در توسعه و بهره‌برداری از میادین گازی پارس جنوبی به شمار می‌رود (غفاری، ۱۳۹۳).

در همین زمینه، حسن روحانی در سفر دوم خود به نیویورک و در دیدار رئیس‌جمهوری اتریش با بیان اینکه ایران در زمینه انرژی دارای شرایط بی‌نظیری است، به طوری که می‌تواند مرکز انرژی مطمئنی برای اروپا باشد، اظهار کرد: «ما آماده اجرایی شدن شبکه انتقال گاز به اروپا از طریق اتریش هستیم». به گزارش رویترز همزمان با گرم شدن روابط ایران و اتحادیه اروپا و سرد شدن روابط مسکو

با بروکسل، اتحادیه اروپا طرح واردات گاز از ایران را به صورت جدی‌تری در دستورکار و بررسی قرار داده است. رویترز در گزارش خود می‌افزاید که در سندی که پس از الحاق کریمه اوکراین به روسیه برای مدیرکل سیاست خارجی اتحادیه اروپا تهیه شده آمده است: «پتانسیل بالای تولید گاز، اصلاحات داخلی بخش انرژی که در جریان است و روند عادی‌سازی رابطه با غرب، ایران را به یک جایگزین معتبر برای روسیه تبدیل می‌کند. اما در این سند در عین حال آمده است که ایران در کوتاه‌مدت به دلیل تحریم‌ها و نبود زیرساخت‌های لازم، جایگزین معتبری برای تامین انرژی اروپا نیست. اسناد داخلی امنیت انرژی اتحادیه اروپا که در اختیار رویترز قرار گرفته همچنین نشان‌دهنده طرح‌هایی برای ایجاد منابع جدید واردات گاز اروپا در آسیای میانه از جمله ایران است» (Saul and Gloystein, 2014).

اگر بخواهیم از منظر اروپا به مسئله نگاه کنیم، می‌توان گفت اگر اتحادیه اروپا امروز با ایران روابط انرژی نزدیک و مسالمت‌آمیزی داشت، می‌توانست به جای نظاره کردن و انفعال در برابر تهدیدهای روسیه مبنی بر قطع گاز، با افزایش واردات گاز از ایران برگ برنده بیشتری در میدان دیپلماسی در اختیار داشته باشد و از فشارهای تهدیدآمیز روسیه به میزان قابل توجهی بکاهد. نمونه مشابه همین اقدام را اتحادیه اروپا در قبال تحریم نفت ایران در سال ۲۰۱۱ با وارد کردن نفت جایگزین از عربستان سعودی انجام داد. بنابراین، هم ایران و هم اتحادیه اروپا در حوزه انرژی دارای منافع مشترکی هستند که می‌تواند مبنای منطقی برای همکاری‌های راهبردی و بلندمدت باشد (Ghoreishi, 2014).

عرضه مستقیم انرژی ایران به اتحادیه اروپا به علت نیاز به زیرساخت‌ها و توسعه میادین گازی، نیازمند یک راهبرد و برنامه‌ریزی بلندمدت است، اما راه‌های کوتاه‌مدت‌تری هم برای درگیرسازی ایران در مسیر جنوبی وجود دارد. نباید فراموش کرد که ایران علاوه بر داشتن ذخایر عظیم انرژی، به سبب موقعیت ژئوپلیتیک خود یکی از بهترین مسیرهای انتقال انرژی است. در همین رابطه باید گفت به صرفه‌ترین و امن‌ترین راه برای صادرات گاز آسیای مرکزی به اروپا مسیر زمینی ایران و ترکیه است. بنابراین، در کوتاه‌مدت و میان‌مدت، جمهوری اسلامی

ایران می‌تواند موازی با طرح‌های توسعه‌ای از مزیت‌های سرزمینی و ژئوپلیتیک خود سود برده و با رایزنی و دیپلماسی فعال اروپا را مجاب کند که هیچ مسیری از نظر اقتصادی (کاهش هزینه سالانه واردات گاز اروپا از ایران در مقایسه با واردات از بستر دریای خزر)، زیست محیطی (سهولت انتقال گاز طبیعی تولید شده از آسیای مرکزی از خاک ایران به بازارهای اروپا با کمترین آسیب به محیط زیست) و امنیتی (تضمین امنیت انتقال انرژی با توجه به ثبات داخلی ایران)، نمی‌تواند جایگزین مسیر زمینی ایران باشد (Jarchalova, 2013). ضمن اینکه از سوی دیگر، ایران در راستای سیاست پرهیز از انتقال منابع گاز جنوب کشور به استان‌های شمالی، به علت هزینه‌های زیاد، می‌تواند با تامین گاز استان‌های نوار شمالی کشور از آسیای میانه از طریق ایجاد یک خط لوله سراسری عبوری از استان‌های خراسان شمالی، گلستان، گیلان، مازنداران، اردبیل و آذربایجان‌های غربی و شرقی و اتصال آن به ترکیه، اروپا را به شرکت و سرمایه‌گذاری در این پروژه تشویق کند.

دیپلماسی فوق‌الذکر می‌تواند با سیاست فشار برای تغییر مسیر از بستر دریای خزر همراه باشد. مسئله‌ای که ایران هم از بعد حقوقی و هم از بعد چانه‌زنی دیپلماتیک می‌تواند از آن بهره‌برد، مخالفت با انتقال خطوط لوله گاز از ترکمنستان از طریق بستر دریای خزر به سوی ترکیه است. از آنجایی که وضعیت حقوقی دریای خزر هنوز میان کشورهای ساحلی آن مشخص نشده است، ایران می‌تواند به عنوان یکی از ۵ کشور ساحلی ذینفع با بکارگیری فشارهای حقوقی و سیاسی به اعمال نفوذ پردازد (Jarchalova, 2013). موضوعی که در این زمینه می‌تواند قدرت چانه‌زنی ایران را بالا ببرد، مخالفت همزمان روسیه با این مسئله است. در همین رابطه، سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه اظهار داشت مسئله احداث خط لوله ترانس خزر باید تنها در چهارچوب ۵ کشور حاشیه خزر یعنی روسیه، آذربایجان، ایران، ترکمنستان و قزاقستان حل و فصل شود. وی تاکید کرد که در مسئله ساخت خطوط لوله نفت و گاز در دریای خزر شاهد تلاش‌های سیاسی برای تحمیل این طرح‌ها بر کشورهای ساحلی خزر هستیم (دویچه وله، ۱۳۹۳). در خط لوله ترانس کاسپین از بستر دریای خزر، امکان صادرات گاز

آسیای میانه مستقل از ایران و روسیه وجود خواهد داشت که در این صورت هیچ منفعتی نصیب کشورمان نخواهد شد. بنابراین، ایران می‌تواند در شرایط پس از تحریم‌ها و با بهبود روابط سیاسی و اقتصادی با کشورهای عضو اتحادیه، این اتحادیه را متقاعد سازد که خط لوله از خاک ایران به ترکیه منتقل شود. این مسئله هم موجب تحکیم موقعیت ایران در آسیای مرکزی و هم سبب جلوگیری از وارد آمدن آسیب‌های زیست محیطی به دریای خزر و تحکیم هرچه بیشتر روابط ایران با ترکیه و کشورهای اروپایی خواهد شد. در نهایت، با توجه به نبود زیرساخت‌های توسعه‌ای در بخش تجارت انرژی ایران و اینکه حتی اگر اتحادیه اروپا هم تمایل داشته باشد، ایران در کوتاه‌مدت قادر نخواهد بود گازی به اروپا صادر کند، این سؤال مطرح می‌شود که چگونه می‌توان از منافع و فرصت‌های مسیر جنوبی برای کشور با در نظر گرفتن بحران کنونی اوکراین و نیاز مبرم اروپا به مبادی انرژی متعدد بهره برد.

۶. الزامات عملیاتی ورود ایران

اجرای شدن برنامه جامع مشترک (برجام)، برداشته شدن تحریم‌های اقتصادی، اراده دولت‌های اروپایی و جمهوری اسلامی ایران برای بازسازی و افزایش حجم مراودات اقتصادی دوجانبه و چندجانبه در حوزه‌های مختلف تجاری و بخش انرژی، طی سفرهای بلندپایه مقامات طرفین به پایتخت‌های یکدیگر، همزمان فضایی را برای اقتصاد در حال رکود ایران فراهم ساخته است که در آن ایران می‌تواند با بهره‌گیری از دارایی‌های انرژی خود سهم مهمی را در مسیر جنوبی مبادی ورودی انرژی اتحادیه اروپا از طریق ترکیه به خود اختصاص دهد. با نگاه ویژه دولت یازدهم به افزایش شاخص‌های اقتصادی در عصر پساتحریم و با اعلام آمادگی اروپا برای پیوستن ایران به این خط لوله، فرصت بسیار مهمی برای صادرات گاز ایران پدید آمده است. این مهم با توجه به افتتاح تمام فازهای پارس جنوبی ظرف ۲ سال آینده نقش مهمی در مبادلات اقتصادی و انرژی ایران ایفا خواهد کرد. براساس گزارش آماري دنيای انرژی در سال ۲۰۱۵ که توسط شرکت بی‌پی منتشر شده است، ایران بزرگ‌ترین ذخایر گازی اثبات شده جهان

(۳۴ تریلیون متر مکعب) را به خود اختصاص داده که ۱۸/۲ درصد کل ذخایر اثبات شده گازی جهان به شمار می‌رود. ایران به‌رغم دارا بودن بزرگ‌ترین ذخایر گازی جهان، تنها ۵ درصد از سهم تولید گاز جهان را داراست. تولید گاز ایران در سال ۲۰۱۴، ۱۷۲/۶ میلیارد متر مکعب بود. با این حال ایران در نظر دارد که میزان تولید خود را ظرف چند سال آینده به ۴۰۰ میلیارد متر مکعب برساند (BP Statistical Review of World Energy, 2016). با وجود این، ورود ایران به مسیر جنوبی ورودی انرژی اتحادیه اروپا و عملیاتی شدن آن نیازمند برطرف ساختن برخی موانع و چالش‌های اصلی از جمله عادی‌سازی روابط با ترکیه، اعتمادسازی در جهت جذب سرمایه‌گذاران اروپایی در زیرساخت‌های انرژی ایران و همچنین قاعده‌مند ساختن روابط و ترجیحات دوجانبه امنیتی بین ایران و روسیه است.

به لحاظ ژئوپلیتیکی، موقعیت جغرافیایی ترکیه برای انتقال و صادرات ذخایر انرژی ایران به کشورهای اروپایی ایجاب می‌کند که تصمیم‌گیران دستگاه دیپلماسی کشور برای اجرایی ساختن ورود ایران به پروژه انتقال گاز مسیر جنوبی، روابط تنش‌آمیز خود را با ترکیه بازسازی نماید. از سوی دیگر، ترکیه نیز با عنایت به این موضوع که در افق چشم‌انداز ۲۰۲۳ به دنبال تبدیل شدن به هاب انرژی بین شرق و غرب است، در عصر پساتحریم نگاه ویژه‌ای به ترمیم و افزایش مراودات اقتصادی و تجاری خود با ایران به‌ویژه در حوزه انرژی دارد و از این‌رو در ماه‌های اخیر شرکت‌های بزرگ توسیاد و موسیاد سفرهای مداومی برای دیدار با مقامات وزارت نفت و صنعت و معدن انجام داده‌اند (Koçgündüz, 2016). در نیم دهه گذشته، تحولات ژئوپلیتیکی در خاورمیانه بعد از ۲۰۱۱، جنگ داخلی در سوریه، رقابت بر سر آینده نظام سیاسی عراق، دیدگاه‌های استراتژیک متعارض نسبت به بحران یمن و مسئله کردها، فضای تنش و سردی بر روابط دو کشور حاکم ساخته است. اما با وجود چنین ترجیحات امنیتی و سیاسی متعارضی که طرفین در قبال تحولات محیط همسایگی و منطقه‌ای خود در پیش گرفته‌اند، متغیر اقتصاد و مراودات تجاری بدون تغییر ملموسی تداوم داشته است و این منحنی مثبت، نگاه عمل‌گرایانه رهبران دو کشور نسبت به چگونگی روابط با یکدیگر را نشان

می‌دهد. ایران در چنین وضعیتی به بازسازی و عادی‌سازی روابط خود با ترکیه برای عملیاتی ساختن ورود خود به خطوط لوله مسیر جنوبی نیازمند است و بر این اساس، سفرهای رسمی در سطوح بلندپایه، یافتن راه‌حلی مشترک برای بحران‌های منطقه‌ای و در نظر گرفتن منافع امنیتی فوری این کشور به‌ویژه در مرزهای شمالی سوریه می‌تواند فضای ترمیم روابط با ترکیه را فراهم سازد.

مسئله امنیت سرمایه و ضمانت سرمایه‌گذاری برای دولت‌ها و شرکت‌های بزرگ اروپایی بسیار حائز اهمیت است. جمهوری اسلامی ایران برای پیوند مجاری‌های ورودی ذخایر انرژی خود به خطوط لوله مسیر جنوبی نیازمند حدود ۸۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری خارجی است که در ماه‌های اخیر و به‌ویژه بعد از برداشته شدن تحریم‌ها در حدود ۴۴ شرکت بزرگ اروپایی برای سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های انرژی جمهوری اسلامی ایران اعلام آمادگی کرده‌اند. در حین مذاکرات، مسئله و چالش بزرگی که سرمایه‌گذاران خارجی نسبت به آن نگرانی خود را نشان داده‌اند، بیشتر متوجه موانع اداری داخلی و عدم ضمانت و امنیت سرمایه‌های آنها با توجه به خلا قوانین تجاری بین‌المللی ایران است (Acimovic, 2016). از این رو، برطرف ساختن چنین چالش‌هایی و ترغیب و دادن ضمانت به این سرمایه‌گذاران می‌تواند سرمایه‌های لازم برای تاسیس و عملیاتی کردن ورود ایران به مسیر جنوبی را میسر سازد. لغو تحریم‌های وضع شده بر صنعت نفت و گاز ایران همزمان با وخامت روزافزون روابط روسیه با غرب، منتفی شدن پروژه خط لوله ساوت‌استریم و عملیاتی شدن خط لوله ترکیش استریم، فرصتی تاریخی برای دارنده دومین ذخایر گاز طبیعی در جهان یعنی ایران فراهم می‌کند تا بتواند وارد بازار انرژی اروپا شود که اجرایی شدن و ورود به این پروژه بدون جذب و وارد ساختن تکنولوژی و سرمایه اروپایی در زیرساخت‌های حوزه انرژی، حداقل در کوتاه‌مدت بعید به نظر می‌رسد.

به دنبال اعمال تحریم‌های اقتصادی علیه روسیه از سوی اتحادیه اروپا، تعلیق پروژه ساوت استریم به‌ویژه با شدت گرفتن تنش بین روسیه و ترکیه، موازی شدن منافع امنیت منطقه‌ای روسیه و ایران در تحولات سوریه نه تنها موجب امنیتی شدن

سیاست‌های منطقه‌ای ایران شده است، بلکه فضای تردید و نگاه منفی طرفین غربی و اروپایی نسبت به رویکردهای ایران پس از برجام را فراهم ساخته است. در چنین وضعیتی ایران می‌باید با یک رویکرد چندجانبه و چندوجهی، از بازسازی روابط اقتصادی با اتحادیه اروپا و چین گرفته تا حفظ و تحکیم روابط امنیتی با روسیه در منطقه، روابط خود را با روسیه قاعده‌مند سازد. با توجه به وضعیت رکودی شاخص‌های اقتصادی و تراز تجاری به‌ویژه با عنایت به عدم بهره‌برداری از دارایی‌های انرژی به سبب تحریم‌ها، اولویت دادن به برقراری روابط امنیتی استراتژیک با روسیه نسبت به بازسازی و افزایش مبادلات اقتصادی و تجاری با اتحادیه اروپا و کشورهای منطقه به هیچ‌وجه به نفع ملی کشور نیست و از این‌رو نگاه عملگرایانه به ایجاد توازن در رویکردهای اتخاذ شده نسبت به کم و کیف روابط با شرق و غرب می‌تواند منافع ملی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران را در میان‌مدت بهتر تامین نماید.

نتیجه‌گیری

بحران کنونی میان غرب و روسیه بر سر اوکراین، سبب شده که کمیسیون اروپا بیش از پیش درصدد متنوع‌سازی منابع تامین انرژی خود و کاهش وابستگی به روسیه برآید. در چنین شرایطی، دیپلماسی انرژی اتحادیه اروپا همه توان خود را به کار گرفته است تا به کمک همکاری‌های استراتژیک انرژی با کشورهای تولیدکننده و نیز کشورهایی که مسیر انتقال انرژی را می‌سازند، سیاست متنوع‌سازی منابع انرژی خود را عملی و ممکن سازد. تشدید همکاری‌ها با ترکیه در قالب پروژه مسیر جنوبی انرژی آسیای مرکزی، حوزه خزر و خاورمیانه به اتحادیه اروپا از جمله اقدامات در دست انجام در این زمینه است. این مسئله به طبع، سبب ارتقای جایگاه و نقش منطقه‌ای ترکیه به عنوان واسط بین تولیدکنندگان انرژی و اتحادیه اروپا از یک‌سو و حامل فرصت‌ها و چالش‌هایی برای همسایگان ترکیه از جمله ایران از سوی دیگر شده است.

بدون در نظر گرفتن شرایط کنونی حاکم بر روابط ایران و اتحادیه اروپا، ایران به واسطه منابع غنی انرژی نفت و گاز همواره یکی از گزینه‌های استراتژیک مطرح

برای تامین انرژی اتحادیه اروپا به حساب آمده است. از این رو، فرصت بحران اوکراین از یک طرف و همسایگی ایران به مسیر گاز جنوبی اتحادیه اروپا از طرف دیگر، این امکان را برای دیپلماسی انرژی ایران فراهم آورده است تا با سیاست‌هایی عمل‌گرایانه خود را به بازار بزرگ مصرف اروپا متصل سازد. اگرچه در سال‌های اخیر، تحریم‌ها این فرصت را از ایران گرفته بود، اما در دوره پس‌برجام و نیاز کشور به خروج از رکود اقتصادی، دولت روحانی می‌باید برای عملیاتی ساختن ورود ایران به این مسیر، به عادی‌سازی روابط خود با ترکیه، جلب اعتماد سرمایه‌گذاران اروپایی برای سرمایه‌گذاری با ریسک پایین در زیرساخت‌های انرژی ایران و قاعده‌مند ساختن روابط امنیتی خود با روسیه پردازد. بدون تردید، بعد از برداشته شدن تحریم‌ها، اجرایی شدن برجام و متعاقب آن ورود قدرتمند ایران به صحنه تعاملات بین‌المللی و منطقه‌ای، رقبای محیط همسایگی ایران از جمله عربستان سعودی و کشورهای عربی حوضه خلیج فارس، و همچنین رژیم صهیونیستی در شرق مدیترانه برای جبران کسری موزانه در برابر ایران، در راستای ایجاد ممانعت در اجرایی شدن ورود ایران به مسیر جنوبی گام خواهند برداشت که برنامه‌ریزی در افق‌های میان‌مدت و بلندمدت در چگونگی مدیریت روابط و تقابل با آنها الزامی به نظر می‌رسد.



منابع

الف) فارسی

اسلامی، مسعود. ۱۳۹۱. دیپلماسی انرژی ایران و روسیه: زمینه‌های همگرایی و واگرایی، فصلنامه راهبرد، سال بیست و یکم، شماره ۶۴، صص: ۲۲۰-۱۸۹.

پوراحمدی، حسین و ذوالفقاری. ۱۳۸۹. دیپلماسی انرژی: منافع و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، در کتاب **نفت و سیاست خارجی**، گردآوری و تدوین: محمود واعظی، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.

دویچه وله. ۱۳۹۳. مخالفت روسیه با صدور گاز خزر به اتحادیه اروپا، قابل مشاهده در: <http://www.dw.com/fa-ir/a-18011931>

دویچه وله. ۱۳۹۴. چشم‌پوشی اتحادیه اروپا از گاز ایران، قابل مشاهده در: <http://www.dw.com/fa-ir/a-18273942>

سلطانی، علیرضا و رضا بهمنش. ۱۳۹۱. اتحادیه اروپا و چالش‌های امنیتی انرژی، فصلنامه علمی-پژوهشی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل.

غفاری، محمد. ۱۳۹۳. بحران سیاسی اوکراین، فرصت‌های پیش‌روی بخش انرژی ایران، وب سایت اوپک و مجامع انرژی:

<http://www.mop.ir/portal/home/?event/> .

واعظی، محمود. ۱۳۸۹. دیپلماسی انرژی ایران و قدرت‌های بزرگ در خلیج فارس، در کتاب **نفت و سیاست خارجی**، گردآوری و تدوین: محمود واعظی، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.

ب) انگلیسی

Acimovic, Ilija. January 11, 2016. European energy companies look to post-sanctions Iran, **The Economist Intelligence Unit**.

Bahgat, Gawdat. 2014. **The Emerging Iranian-Turkish Energy Partnership**, available at: <http://www.resilience.org/stories/2014-08-01/the-emerging-iranian-turkish-energy-partnership>.



BP. 2016. BP Statistical Review of World Energy, London, United Kingdom.

Business Monitor. 2014. Iran Oil & Gas Report, available at: [Http://bmiresearch.com/iran-oil-gas-report.html](http://bmiresearch.com/iran-oil-gas-report.html).

Cerny, David W. 2014. EU Looks to Iran Gas Imports to Sap Russia's Energy Hold, **Moscow Times**, available at: <http://www.themoscowtimes.com/business/article/eu-looks-to-iran-gas-imports-to-sap-russia-s-energy-hold/507783.html>.

Checchi, Arianna, Christian Egenhofer and Arno Behrens. 2009. Long-Term Energy Security Risks for Europe: A Sector-Specific Approach, **CEPS Working Document**, No. 309, <http://aei.pitt.edu/10759/1/1785.pdf>.

Clingendael. 2013. Russian GAS Imports to Europe and security of Supply-Factsheet, **Clingendael International Energy Programme**, available at: www.clingendaelenergy.com/files.cfm?event=files.

Davidovic, Sonja. 2014. **Turkey is Key to Europe's Energy Diversification**, available at: <http://www.eurodialogue.eu/energy-security/Turkey-Is-Key-To-Europe-s-Energy-Diversification>.

European Commission. 2006. Green Paper: A European Strategy for Sustainable, Competitive and Secure Energy, SEC 317, Brussels.

European Commission. 2014. EU Energy in Figures, Statistical Pocketbook 2014, available at: ec.europa.eu/energy/en/statistics/energy-statistical-pocketbook.

European Union. 2010. **Consolidated Treaties; Charter of Fundamental Rights**, Luxembourg: Publications Office of the European Union.

Ghoreishi, Shahed. 2014. **How Iran can save Europe from Russian Energy Dominance**, available at: <http://www.internationalpolicydigest.org/2014/03/10/how-iran-can-save-europe-from-russian-energy-dominance/>.

Hatton, Lucy. 2011. European Energy Policy, **CIVITAS Institute for the Study of Civil Society**, available at: <http://www.civitas.org.uk/eufacts/FSENV/ENV3.htm>.

Jarchalova, Narmin. 2013. **Turkey's Energy Policy towards Becoming an Energy Hub: Internal and External Challenges**, available at: <http://researchturkey.org/turkeys-energy-policy-towards-becoming-an-energy-hub-internal-and-external-challenges/>.

Leverett, Flynt and Bader, Jeffrey. 2006. Managing China U.S. Energy

- Competition in the Middle East, **Washington Quarterly**, Vol. 29, No. 1: 189-199.
- Marketos, Thrassy. 2014. EU Energy Geopolitics: The Potential Role of Iran and The Turkish Route, available at: <http://www.naturalgaseurope.com/eu-energy-geopolitics-iran-russia-turkey>.
- Sander, Michael. 2007. A 'Strategic Relationship'? The German Policy of Energy Security within the EU and the Importance of Russia, **Foreign Policy in Dialogue**, Vol. 8, No. 20: 16-24.
- Saul, Jonathan and Henning Gloystein. 2014. EU plans for Iran gas imports if sanctions go, **Reuters**, available at: <http://www.reuters.com/article/2014/09/24/us-eu-iran-gas-idUSKCN0HJ17M20140924>.
- Turkish Ministry of Foreign Affairs**. 2014. Turkey's Energy Strategy, available at: <http://www.mfa.gov.tr/turkeys-energy-strategy.en.mfa>
- Uludage, Mehmet and Others. 2013. Turkey's Role in Energy Diplomacy from Competition to Cooperation: Theoretical and Factual Projections, **International Journal of Energy Economics and Policy**, Vol. 3, Special Issue: 102-114.
- Youngs, Richard. 2014. A New Geopolitics of EU Energy Security, **Carnegie Europe**, available at: <http://carnegieeurope.eu/publications/?fa=56705>.

(ج) ترکی

- Koçgündüz, Leyla Melike. 2016. Enerjinin Dar Boğazı: Hürmüz, ORSAM Dış Politika Analizleri, <http://www.orsam.org.tr/tr/yazigoster.aspx?ID=3290>.